

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال پنجم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صفحات ۳۹-۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۳/۲۲

تأثیر حکمروایی خوب کنش اقتصادی کارآفرینان (مورد مطالعه: کارآفرینان استان همدان)

مجید خالقی فر^۱

وحید قاسمی^۲

رضا همتی^۳

چکیده

حکمروایی خوب از جمله متغیرهای تأثیرگذار بر روند فعالیت‌ها و تصمیم‌های اقتصادی بازیگران اقتصادی به‌ویژه کارآفرینان در هر جامعه‌ای است. هدف از تحقیق حاضر، پاسخ به این سوال است که اصولاً تا چه حدی، مؤلفه‌های حکمروایی خوب در کشور بر فعالیت‌ها و تصمیم‌های اقتصادی کارآفرینان تأثیر دارد. فعالیت اقتصادی کارآفرینان می‌تواند در راستای تولید هرچه بیشتر و گسترش بنگاه‌های تولیدی خود باشد و یا اینکه سود ناشی از مازاد اقتصادی را از جرگه تولید خارج کرده و در اموری غیر از تولید، سرمایه‌گذاری شود، که می‌توان به تبعیت از ویلیام بامول آن‌ها را به ترتیب کارآفرینی مولد و کارآفرینی غیرمولد نامید. به لحاظ روش‌شناسی، پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های ترکیبی است که در آن نتایج بخش کمی (پیمایش) با نتایج بخش کیفی (تحلیل مضمون مصاحبه‌ها) با هدف تکمیل یکدیگر، تلفیق شده‌اند. نمونه‌گیری کمی، به‌صورت ترکیبی (مطبق و تصادفی ساده) از بین کارآفرینان استان همدان و نمونه‌گیری بخش کیفی، به صورت هدفمند با کارآفرینان برتر استان همدان انجام گرفته است. نتایج نشان می‌دهد به طور متوسط مؤلفه‌های حکمروایی خوب بر روی کارآفرینی مولد تأثیر مثبت دارد به طوری که ۱۶ درصد از واریانس شیوه فعالیت اقتصادی کارآفرینان ناشی از متغیرهای حاضر در مدل می‌باشد. نتایج بخش کمی و کیفی داده‌ها همدیگر را پوشش داده و یکدیگر را تأیید نمودند. از مهم‌ترین نتایج تحقیق می‌توان به نقش نمایندگان مجلس در وضع قوانین حمایتگر از تولیدات داخلی، تصحیح قوانین مالیاتی عادلانه و تصحیح عملکرد بانک‌ها در تشویق جامعه به کارآفرینی مولد نام برد.

واژگان کلیدی: حکمروایی خوب، کنش اقتصادی مولد/غیرمولد، کارآفرینی، پژوهش ترکیبی.

Email:khaleghi.majid@gmail.com

Email:v.ghasemi@itr.ui.ac.ir

Email:rhemati@gmail.com

۱- دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه (نویسنده مسئول)

۲- دانشیار و عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

۳- استادیار و عضو هیات علمی گروه جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

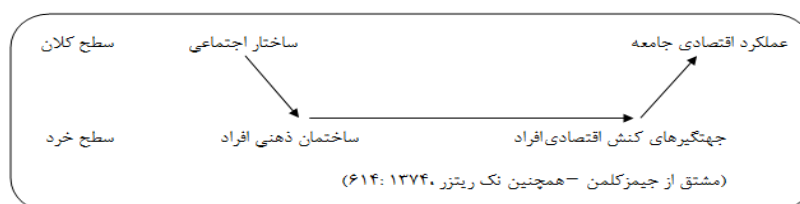
طرح مساله

هر کنش اقتصادی غیرمولدی ناشی از وجود حکمفرمایی فضای خاصی در اقتصاد جامعه است که افراد را به سوی فعالیت‌های اقتصادی غیرمولد سوق می‌دهد. بامول^۱ معتقد است تنها کارآفرینی مولد است که هم در خدمت توسعه کشور است و هم باعث برابری و رقابت‌پذیری و سالم شدن فضای اقتصادی جوامع می‌گردد (سوبل^۲، ۲۰۰۸). کنش اقتصادی کارآفرینان می‌تواند در راستای تولید هرچه بیشتر و گسترش بنگاه‌های تولیدی خود باشد و یا این که سود ناشی از مازاد اقتصادی از جرگه تولید خارج و در اموری غیر از تولید سرمایه‌گذاری شود، اموری مانند واسطه‌گری، دلالی، خرید ملک، زمین، ساختمان یا پرداختن به امور ساختمان‌سازی و خرید و فروش املاک و مستغلات، ذخیره نقدینگی به صورت طلا و ارز. در سال‌های اخیر شاهد کاهش سهم تولید (و به‌ویژه صنعت) از اقتصاد (تولید ناخالص داخلی) در استان‌ها و کشور و یا عدم سرمایه‌گذاری در بخش تولید صنعتی و کشاورزی در بین کارآفرینان بوده و این سرمایه‌گذاری غیرتولیدی در هر بخشی از خدمات و بازرگانی به شکل واسطه‌گری و یا خروج از کشور باز نمود پیدا کرده و کمتر جذب بخش تولیدی می‌شود. به‌عنوان مثال، مطالعه عربشاهی و سرایی (۱۳۹۱) نشان می‌دهد سهم صنعت و ساختمان در کشور از رقم ۳۷/۴ درصد در سال ۱۳۸۳ به رقم ۳۵/۲ درصد در سال ۱۳۸۸ رسیده و در استان همدان این میزان در سال ۱۳۸۳، ۱۸/۷ درصد در مقایسه با سهم ۲۰/۳ درصد در سال ۱۳۸۸ تغییر چندانی نداشته (=روند) و همین مقدار نیز در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی از جمله خدمات و بازرگانی (۵۵/۴ درصد در سال ۱۳۸۸ در کشور و ۵۷/۷ درصد در همین سال در استان) ناچیز (=سطح) بوده است. بنابراین شواهد تجربی نشان می‌دهد که صنعت و تولید (در سطح و روند) سهم بسیار کمتری از بخش خدمات در اقتصاد کشور دارد. این تحقیق با ثابت فرض کردن سایر عوامل بهبود فضای کسب و کار (شرایط بروکراسی و زیرساخت‌ها و ساز و کارهای مربوط به حوزه اقتصادی کسب و کار) علت این امر را بررسی کرده و به این موضوع می‌پردازد که چه عوامل فرهنگی و تنه‌نشست‌های

1- W. Baumol

2- Russell S. Sobel

ذهنی جمعی در بین کارآفرینان وجود دارد که آن‌ها را به کنش اقتصادی غیرتولیدی در داخل کشور سوق می‌دهد. همچنین، این‌که چه باورداشت‌ها و تهنسست‌های ذهنی جمعی از مؤلفه‌های حکمروایی خوب در جامعه ما، باعث بروز و نمود شیوه فعالیت اقتصادی غیرتولیدی (غیرمولد) در کارآفرینان می‌شود؟ به عبارت دیگر تا چه حد مؤلفه‌های حکمروایی خوب (که در سطح کلان و ساختار اجتماعی جامعه قرار دارند)، تشویق‌کننده یا مانع کار مولد هستند؟



شکل شماره (۱) تأثیر ساختار اجتماعی بر عملکرد اقتصادی جامعه - براساس نظریه کلمن

مروری بر پیشینه پژوهش

موضوع مقاله حاضر بیشتر در حوزه نظریات نهادگرایی جدید نورث که در آن به بررسی تأثیر نحوه عملکرد نهادها بر کنش‌های اقتصادی مولد/ غیرمولد کارآفرینان پرداخته شده قرار می‌گیرد. از جمله مهم‌ترین پژوهش‌ها در این حوزه عبارتند از:

نورث (۱۹۹۲: ۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «اقتصاد نهادی نوین و توسعه» به کمک علوم شناختی، اثر نهادها بر روی عملکرد اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهد. وی معتقد است افراد دارای مدل‌های ذهنی هستند که با این مدل ذهنی، جهان اطرافشان را تفسیر و درک می‌کنند. بخشی از این مدل‌ها از فرهنگ نشأت می‌گیرند که از طریق انتقال بین نسلی دانش، ارزش‌ها و هنجارهایی تولید می‌شود که به شدت در میان گروه‌های نژادی مختلف و جوامع، متفاوت است. بخشی از آن، از طریق تجربه‌ای کسب می‌شود که برای محیطی خاص و «محلی» است و از این رو، به نحو گسترده در محیط‌های گوناگون، متفاوت است. به همین ترتیب، تنوع بسیاری در مدل‌های ذهنی و در نتیجه درک‌های متفاوت از جهان و شیوه‌ای که «کار می‌کند» وجود دارد. حتی آموزش رسمی‌ای که افراد

کسب می‌کنند، غالباً شامل مدل‌های متناقضی است که با آن جهان اطراف خود را تفسیر می‌کنیم.

کميجانی و سلاطين (۱۳۸۷: ۱) در مقاله ای تحت عنوان «تأثير حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب^۱ OPEC و^۲ OECD» بر اساس مبانی تئوریکي و کانال‌های مختلف تأثیرگذاری، ارتباط میان کیفیت حکمرانی و رشد اقتصادی را بررسی کرده‌اند. با معرفی مدل، این ارتباط در دو گروه کشورهای عضو OPEC و OECD با استفاده از روش داده‌های تلفیقی در دوره ۲۰۰۷-۱۹۹۶ آزمون گردیده است. نتایج نشان می‌دهد:

۱- ارتباط مثبت و معنی‌داری میان شاخص کیفیت حکمرانی و رشد اقتصادی در هر دو گروه وجود دارد.

۲- میزان تأثیرگذاری شاخص کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای عضو OPEC بیشتر از گروه کشورهای عضو OECD می‌باشد.

۳- شاخص ثبات سیاسی در گروه کشورهای عضو OPEC و شاخص کنترل فساد در گروه کشورهای عضو OECD دارای بیشترین تأثیر بر نرخ رشد اقتصادی می‌باشند.

سویل (۲۰۰۸) نیز در مطالعه خود با عنوان «آزمون نظریه بامول: کیفیت نهادها و بهره‌وری کارآفرینی» نظریه کارآفرینی مولد و غیرمولد بامول به‌عنوان که یکی از مهم‌ترین ادبیات مطرح شده کارآفرینی با نگرش اقتصادی، به‌طور تجربی مورد آزمون قرار داده است. وی در این مطالعه، براساس نظریه بامول این ایده را که افراد کارآفرین مبنی بر نهادهای اقتصادی، سیاسی و قانونی حاکم بر جامعه، تلاش‌های خود را در مسیرهای مختلفی به پیش می‌برند، مورد تأیید قرار می‌دهد. وی که به بررسی ارتباط بین کیفیت نهادهای قانونی و سیاسی آمریکا و کارآفرینی مولد و غیرمولد پرداخته، به این نتیجه رسیده است که ساختار

۱- مخفف Organization of the Petroleum Exporting Countries (سازمان کشورهای صادرکننده نفت با نام اختصاری اوپک). یک کارتل بین‌المللی نفتی که ایران نیز در آن عضویت دارد.

۲- مخفف The Organization for Economic Cooperation and development (سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی)

نهادی مناسب، سرمایه‌گذاری‌های مخاطره‌آمیز، ثبت اختراع و نرخ تأسیس بنگاه را افزایش داده و در نتیجه، با بالا بردن سطح کارآفرینی، نرخ بالای رشد اقتصادی را فراهم می‌سازد.

بشیری و شقاقی (۱۳۹۰) در پژوهش خود تحت عنوان «حکمرانی خوب، فساد و رشد اقتصادی: رویکردی اقتصادی به مقوله حکمرانی خوب»، در تبیین عوامل و نظریه‌های رشد اقتصادی بر اهمیت زیاد موضوع دخالت‌های دولت و حجم فعالیت‌های دولتی در اقتصاد، پرداخته‌اند. در تبیین عوامل و نظریه‌های رشد اقتصادی، بحث دخالت‌های دولت و حجم فعالیت‌های آن در اقتصاد موضوعی بسیار مهم تلقی می‌گردد. بنابه اهمیت موضوع، این محققان سعی کرده‌اند ضمن تبیین مکانیسم ارتباط حکمرانی خوب با کاهش فساد و بهبود رشد اقتصادی، در قالب الگوی اقتصادسنجی پانل کشورهای آسیای جنوب غربی، به عنوان نمونه این ایده را که «پیاده‌سازی بسته سیاستی حکمرانی خوب موجب رشد اقتصادی کشورها می‌گردد»، مورد بررسی قرار دهند. در مجموع نتایج به دست آمده از برآورد الگوی رشد حکایت از ارتباط معنی‌دار و مستقیم بین اجزای مختلف شاخص حکمرانی خوب با رشد اقتصادی کشورهای منطقه دارد.

توحیدلو (۱۳۹۱) در رساله دوره دکتری خود با عنوان «حیات اقتصادی ایرانیان در دوره مشروطه» به چگونگی رفتار اقتصادی ایرانیان در دوره مشروطه و علل و عوامل عدم شکل‌گیری روح سرمایه‌داری در ایران (با تأکید بر دوره قاجار) پرداخته است. چارچوب نظری وی اخلاق پروتستان وبر و نظریه داگلاس نورث و نهادگرایی جدید بوده است. روش تحقیق از نوع کیفی و تحلیل اسنادی بوده است. وی در یافته‌های خود به بررسی مقایسه‌ای بین اخلاق پروتستان (به عنوان نوع ایده‌آل) و اخلاق اقتصادی ایرانیان پرداخته و نهایتاً به این نتیجه‌گیری رسیده است که «همانگونه که وبر اخلاق پروتستانی را زمینه‌ساز پیدایش روح سرمایه‌داری در غرب دانسته، ایستایی و نظم حاصل از نحوه برداشت از عدالت در شرع و عرف جامعه ایرانی می‌تواند عاملی برای عدم شکل‌گیری روح سرمایه‌داری در آن جامعه باشد.

در این راستا، طیف وسیعی از مطالعات را می‌توان نام برد که بر تأثیر عملکرد نهادها بر فعالیت‌های کارآفرینانه تأکید می‌کنند (جدول ۲):

جدول شماره ۲: خلاصه برخی از پژوهش‌های مرتبط با موضوع

مولفان	موضوع اصلی	پشتوانه تئوریک	یافته‌ها
رینولدز، هلوکامب ^۱ (۱۹۹۹)	نقش نهادها در فعالیت کارآفرینانه در قالب یک مدل عمومی	ادبیات کارآفرینی (مدل GEM)	فعالیت کسب و کار در سطح ملی، با تغییر در شرایط عمومی چارچوب ملی تغییر می‌کند، در حالی که فعالیت کارآفرینانه، از شرایط چارچوب کارآفرینانه تأثیر می‌پذیرد.
دیوید هارپر (۲۰۰۳)	بنیادهای کارآفرینی و توسعه اقتصادی	ادبیات نهادی توسعه (نورث و ویلیامسون)	حقوق مالکیت، حاکمیت قانون، قراردادهای، نظام پولی، تمرکززدایی حقوقی و سیاسی و آزادی اقتصادی
بوتکه و کوین (۲۰۰۳)	کارآفرینی در رژیم‌های مختلف نهادی	ادبیات نهادی توسعه (نورث) و ادبیات نهادی کارآفرینی (بامول)	رژیم‌های نهادی متفاوت، کارآفرینی‌های متفاوتی ایجاد می‌کنند.
سوبل، کلارک و لی (۲۰۰۷)	نقش سیاست‌های عمومی در کارآفرینی	ادبیات توسعه	سیاست‌های عمومی با تعریف سیاست‌های مختص کارآفرینی و نیز ایجاد یک ساختار نهادی منتج به کارآفرینی، پویایی‌های کارآفرینی را در یک کشور یا منطقه تعیین می‌کنند.
جوزه ارنستو آموروس ^۲ (۲۰۰۹)	کیفیت نهادی و کارآفرینی توسعه (نورث) و ادبیات نهادی کارآفرینی (بامول)	ادبیات نهادی توسعه (نورث) و ادبیات نهادی کارآفرینی (بامول)	نهادها یا به‌طور دقیق‌تر کیفیت نهادی، بر عملکرد اقتصادی اثر مهمی دارد.
استیونسون و لاندستورم ^۳ (۲۰۰۷)	ارزیابی سیاست‌های مختلف کارآفرینی	ادبیات توسعه	تخصیص کارایی منابع در اقتصاد، و به‌طور خاص تخصیص استعدادها کارآفرینانه، در ساختارهای نهادی گوناگون، متفاوت است.
مگنوس هنرگسون (۲۰۰۷)	پیوند نهادها و کارآفرینی	ادبیات نهادی توسعه به‌ویژه نورث و شومپتر	چهار نهاد در کارآفرینی موثر هستند: حمایت از حقوق مالکیت، پس‌انداز و تشکیل ثروت، اخذ مالیات، مقررات بازار کار

(یاداش و نیکونستی، ۱۳۸۷: ۱۴۷)

1- Holcombe

2- José Ernesto Amorós

3- Stevenson and Lundström

این مطالعات و بسیاری مطالعات دیگر، رویکرد نهادی را مفروض می‌گیرند و سپس اثر نهادهای خاص بر کارآفرینی را مورد مطالعه قرار می‌دهند.

همانند تحقیقات و مقالات مذکور، تحقیقات متعددی در موضوع مقاله حاضر وجود دارد که هر یک از منظری به موضوع نگریسته و بخشی از آن را مورد مطالعه قرار داده‌اند. اما در ایران کمتر تحقیقی وجود دارد که با رویکرد جامعه‌شناسی اقتصادی به کارآفرینی مولد/غیرمولد مورد نظر بامول پرداخته باشد. دیدگاه نورث با طرح نظریه نهادگرایی نوین مسیر جدیدی را در شناسایی جهت‌گیری‌های متفاوت جوامع و تأثیر این جهت‌گیری‌ها در رشد و توسعه اقتصادی این جوامع ارائه نموده است. بحث خصوصی‌سازی و به حداقل رساندن حجم دولت نیز از استراتژی‌های توسعه سرمایه‌داری است که در سطح کلان دنبال می‌شود. سایر پژوهشگران در این حوزه نیز که اغلب اقتصاددانان می‌باشند تنها از جنبه اقتصادی به بررسی زیر بسترهای عینی به موضوع پرداخته‌اند.

چارچوب تئوریک

برنامه توسعه سازمان ملل در سال ۱۹۹۷ حکمرانی خوب را اعمال قدرت سیاسی، اقتصادی و اداری برای مدیریت امور عمومی یک کشور در همه سطوح تعریف می‌کند. حکمرانی مشتمل بر سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که از طریق آن، شهروندان و تشکلهای با آگاهی و اذعان بر منافع خود و با استفاده از حقوق قانونی خود به تعهدات و تکالیف خود عمل نموده و اختلافات را با میانجی‌گری حل می‌نمایند (براداران شرکاء، ۱۳۸۶: ۵). در تعریف دیگر از یونسکو در سال ۲۰۰۲ حکمرانی خوب به معنای سازوکارها، فرآیندها و نهادهایی است که به واسطه آنها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی، منافع مدنی خود را دنبال می‌کنند و حقوق قانونی خود را به اجرا در می‌آورند و تعهدات‌شان را برآورده می‌سازند. همچنین حکمرانی خوب را فرآیند تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌ها با تمرکز بر بازیگران رسمی و غیررسمی تعریف می‌کنند (قلی‌پور، ۱۳۸۳: ۱۰). برینکرهاف و گلداسمیت^۱ (۲۰۰۵)

نمونه‌های آرمانی نظام‌های حکمرانی^۱ را در دو بخش حکمرانی خوب و حکمرانی بد مشخص می‌کنند. این نمونه‌های آرمانی نظام‌های حکمرانی در جدول (۱) نشان داده شده‌اند.

جدول شماره ۱: نمونه‌های آرمانی نظام‌های حکمرانی

حکمرانی بد	حکمرانی خوب
اقتدار شخصی است، با افراد مستقر می‌شود.	اقتدار نهادی است، با نقش‌های اداری و رسمی مستقر می‌شود.
رهبران سیاسی، قدرت را به خود انحصار می‌دهند و برای کنش‌هایشان، مسئول و پاسخگو نیستند.	رهبران سیاسی، قدرت را با دیگران تقسیم می‌کنند و برای کنش‌هایشان پاسخگو هستند.
رهبران، قدرت را با فراهم کردن مطلوبیت‌های شخصی به دست می‌آورند که وفاداری پیروان کلیدی را تأمین می‌کند.	رهبران، قدرت را با فراهم کردن منافع جمعی به دست می‌آورند که حمایت بخش‌های عمده جامعه را تأمین می‌کند.
تصمیمات سیاست‌گذاران به‌طور مخفیانه از درگیری عمومی اتخاذ می‌شود.	تصمیمات سیاست‌گذاران بعد از بحث و بررسی عمومی به‌طور علنی اتخاذ می‌شود.
معیارهای تصمیم‌گیری، ضمنی و پنهان و روبه‌ها، غیرقابل استخراج هستند.	معیارهای تصمیم‌گیری، صریح و آشکار و روبه‌ها، شفاف هستند.
احزاب سیاسی پیرامون شخصیت‌ها و توزیع منافع فردی، سازمان می‌یابند.	احزاب سیاسی پیرامون برنامه‌های دولتی سازمان می‌یابند که بر تعداد زیادی از ذی‌نفعان تعریف شده توسط مقوله‌های عام و جامع، تأثیر می‌گذارند.
کمپین‌های سیاسی، از طریق برخورداری از هدایای گسترده مخفیانه، تأمین مالی می‌کنند.	کمپین‌های سیاسی، هزینه‌های خود را با هدایای خیلی ناچیز آشکار، تأمین می‌نمایند.
انتخابات‌ها با ارباب، خرید آراء و تقلب مشخص می‌شوند.	انتخابات‌ها، آزاد، باز و منصفانه هستند.
پروژه‌های مهندسی راه و ساختمان به لحاظ جغرافیایی هدف‌گیری می‌شوند تا به منافع بخش‌های کوچکی از شهروندان کشور خدمت کنند.	پروژه‌های مهندسی راه و ساختمان، درصددند تا منافع بخش‌های عظیم‌تری از شهروندان جامعه را تأمین کنند.
رؤسا به عنوان جایزه از طریق روابط شخصی با رهبران سیاسی، استخدام شده و ارتقا می‌یابند.	رؤسا در فرآیندهای رقابتی براساس ارزیابی صلاحیت و تخصص آنها، استخدام شده و ارتقا می‌یابند.

ادامه جدول شماره ۱: نمونه‌های آرمانی نظام‌های حکمرانی

حکمرانی بد	حکمرانی خوب
یک سلسله مراتب اداری غیرپاسخگو مبتنی بر تخصصی کردن بخش‌های محدود یا تخصصی کردن بازده و کانال‌های اطلاعاتی نامشخص، وجود دارد.	یک سلسله مراتب اداری مقتدر تقسیم کار آشکار، مدرک‌هایی برای تخصصی کردن بازده، و کانال‌های اطلاعاتی کاملاً مشخص وجود دارد.
رؤسا می‌توانند بدون هیچ دلیلی عزل شوند.	رؤسا فقط با دلیل می‌توانند عزل شوند.
رؤسا حقوق‌شان را با رشوه و بازپرداخت، تکمیل می‌کنند.	رؤسا از تکمیل حقوق‌شان منع شده‌اند.
کنش‌های رؤسا خودسرانه و مبتنی بر دلایل ذهنی بوده و از رویه‌های حامی تبعیت می‌کنند.	کنش‌های رؤسا پیش‌بینی‌پذیر و مبتنی بر دلایل عینی بوده و از رویه‌های یکسانی تبعیت می‌کنند.
قواعد با غرض‌ورزی اجرا می‌شوند و مردم با پیوندهای نزدیک با حکومت، شیوه‌های رانتهی اتخاذ می‌کنند.	قواعد با بی‌طرفی به اجرا درآمده و همه آحاد جامعه در معرض رفتارهای یکسان قرار دارند.
موافقت نامه‌های شفاهی در خرید و فروش‌های حکومت استفاده می‌شوند.	قراردادهای قانونی لازم‌الاجرا در خرید و فروش‌های حکومت مورد استفاده قرار می‌گیرند.
کنترل‌های درونی، سست هستند، اسناد حاوی موضوعات حساس از کتاب‌ها حذف می‌شوند.	کنترل‌های درونی، محکم هستند، تمامی پرونده‌ها حفظ و نگهداری و به‌طور مرتب، بازبینی می‌شوند.
در صورت ارائه ضعیف خدمات، مردم منابع اندکی برای اعاده حقوق در اختیار دارند.	اگر ارائه خدمات، ضعیف باشد شهروندان کانال‌های مختلفی برای احقاق حقوق خود در اختیار دارند.

(اقتباس از برینگرهاف و گلداسمیت، ۲۰۰۵: ۲۰۴-۲۰۳)

بدیهی است پیش از مطرح کردن هرگونه تحلیل نظری پیرامون ارتباط میان حکمرانی خوب و عملکرد اقتصادی باید قادر به سنجش کیفیت حکمرانی بود. بنابراین مسئله اصلی، دستیابی به شاخص‌ها و معیارهای کمی مناسب برای محاسبه کیفیت حکمرانی است به گونه‌ای که بتوان با استفاده از آن به بررسی نحوه اثرگذاری مؤلفه‌های حکمرانی بر عملکرد اقتصادی پرداخت. در پاسخ به این نیاز سازمانهای متعدد بین‌المللی با برشمردن ویژگی‌های متنوع برای کیفیت حکمرانی به تهیه شاخص‌هایی اقدام نموده‌اند. ما در این مطالعه از میان شاخص‌های موجود، توجه خود را به شش شاخص حکمرانی خوب که توسط بانک جهانی گردآوری شده است، متمرکز می‌کنیم.

تعاریف شش شاخص حکمرانی خوب که از سوی بانک جهانی مطرح شده است بدین شرح است:

حق اظهار نظر [شهروندان] و مسئولیت پذیری [مسئولان]^۱: این که تا چه حد شهروندان قادرند آزادانه در انتخاب حکومت مشارکت کرده، آزادی بیان، آزادی عضویت در تشکل‌ها (انجمن‌ها) و رسانه‌های ارتباط جمعی آزاد داشته باشند.

تزلزل و خشونت سیاسی^۲ (میزان آرامش و ثبات سیاسی): این که حکومت تا چه حد بر اثر جاری نشدن قانون اساسی یا با اعمال خشونت، ناپایدار یا در حال سرنگونی است شامل خشونت در جنبش سیاسی و تروریسم.

کارایی حکومت^۳: کیفیت خدمات عمومی، کیفیت خدمات مدنی و درجه استقلال از فشارهای سیاسی، کیفیت آرایش و چینش سیاسی و میزان اعتبار تعهدات حکومت در مقابل چنین رویه‌هایی.

کیفیت قوانین و مقررات^۴: توانایی حکومت [مجلس] در آرایش و چینش قواعد و رویه‌های توانمند که به توسعه و ارتقاء بخش خصوصی منجر می‌گردد.

حاکمیت قانون^۵: این که تا چه حد اتباع [شهروندان و حکومت آن کشور] قابل اعتماد بوده و از قوانین جامعه همانند جرم و خشونت تبعیت می‌کنند، مخصوصاً در کیفیت تضمین اجرای قراردادها، حقوق مالکیت، پلیس و دادگاه‌ها.

کنترل فساد^۶: این که تا چه حد قدرت عمومی [بیت‌المال] برای اهداف خصوصی مورد سوءاستفاده قرار گرفته و به هر دو شکل خرد و کلان فساد در جامعه متجلی می‌گردد.

-
- 1-Voice and Accountability(VA)
 - 2-Political instability and Violence(PV)
 - 3-Government Effectiveness(GE)
 - 4-Regulatory Quality(RQ)
 - 5- Rule of Law(RL)
 - 6- Control of Corruption(CC)

همانند «تسخیر» دولت به وسیله برگزیدگان برای منافع خصوصی (کافمن، ۲۰۱۰: ۴) (عیسی‌زاده و احمدزاده، ۱۳۸۸: ۱۴).

حکمرانی خوب از طریق ایجاد ساختار انگیزشی مناسب، نااطمینانی را در اقتصاد کاهش داده و از این رهگذر با افزایش کارایی به رشد اقتصادی بالاتر می‌انجامد. بدون ایجاد، حمایت و اجرای حقوق مالکیت، دامنه مبادلات بازاری کاهش می‌یابد؛ ساختار قوانین و مقررات نامناسب، فرصت‌های سرمایه‌گذاری را تحلیل می‌برد؛ فساد، سیاست‌های دولت را از اهداف واقعی‌اش منحرف ساخته و مشروعیت نهادهای دولتی حامی بازار را زیر سوال می‌برد. اگرچه در تئوری‌های رشد اقتصادی به مؤلفه‌هایی مانند میزان نمایندگی دولتمردان از جانب مردم، ثبات سیاسی (میزان ثبات رژیم و رهبران حاکم و احتمال تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ یا تغییر رهبران و دولتمردان)، حدود حاکمیت نظم و قانون، خطر بی‌اعتنایی دولت به قراردادهای فساد در دستگاه اداری، خطر مصادره دارایی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی، برخورداری مردم از حق اظهار نظر و نظارت بر اعمال حاکمان، کارآمدی دولت و ... که همگی تحت عنوان مؤلفه‌های حکمرانی شناخته می‌شوند، کمتر پرداخته می‌شود اما این مؤلفه‌ها قادرند در کنار سایر عوامل، قدرت تبیین‌گری تئوری‌های رشد اقتصادی را در بیان دلایل تفاوت عملکرد اقتصادی کشورها افزایش دهند.

نظریه کارآفرینی مولد/غیرمولد: بامول (۱۹۹۰) استدلال می‌نماید که تفاوت‌ها در کارآفرینی، نتیجه تفاوت در عناصر نهادی کشورها یا مناطق است. نقطه آغاز کار بامول، جهان جذاب تساوی‌گرایانه است که در آن استعدادهای کارآفرینی، به طور یکسانی بین مردم توزیع می‌شود، اما چنین استعدادی تنها تحت شرایط نهادی معین، محرک رشد اقتصادی است. هنگامی که ساختار انگیزشی یک اقتصاد، عاملان اقتصادی را به سوی فعالیت‌های غیرمولد (رانت‌جویانه) سوق می‌دهد، می‌توان انتظار داشت که عاملان آن را مناسب بدانند. در جامعه‌ای که بیشترین قیمت‌ها (سودها) به فعالیت‌های غیرمولد تعلق دارد، سطح کارآفرینی مولد الزاماً کمتر خواهد بود (پاداش و نیکونسبتی، ۱۳۸۷: ۱۳۳).

بامول معتقد است، در یک محیط نهادی که منافع و پاداش‌ها برای فعالیت‌های رانت-جویانه، بیشتر از هزینه‌های آنهاست، کارآفرینی نابهره‌ور (غیرمولد)^۱ پدید خواهد آمد. کارآفرینی غیرمولد به نوعی کارآفرینی گفته می‌شود که به کارآفرین منفعت می‌رساند، ولی برای کل اقتصاد جامعه منفعی به همراه ندارد. به‌طور مشابه، اگر منافع اشتغال در فعالیت کارآفرینی غیرقانونی، بیشتر از هزینه‌های آن باشد، کارآفرینان بیشتر به کارآفرینی مخرب^۲ گرایش خواهند داشت. کارآفرینی مخرب، به نوعی کارآفرینی گفته می‌شود که مُخل توسعه اقتصادی است. برعکس، اگر انگیزه‌ها به‌سوی کارآفرینی بهره‌ور (مولد) گرایش داشته باشند، یعنی کارآفرینی که اثر مثبت بر رشد اقتصادی کل جامعه دارد، آنگاه این شکل از کارآفرینی اولویت خواهد داشت. در هر مورد کارآفرینان، به انگیزه‌های موجود در محیطشان، هم در شکل مقررات (به تعبیر نورث، قواعد رسمی) و هم بر حسب هنجارها و ارزش‌های فرهنگی غالب (قواعد غیررسمی) عکس‌العمل نشان می‌دهند (پاداش و نیکونسبتی، ۱۳۸۷: ۱۴۰). از نظر بامول (۱۹۹۰)، با اینکه جامعه می‌تواند منابع و انگیزه‌های توسعه فعالیت‌های کارآفرینی را فراهم کند، اما اگر شرایط نامناسبی بر جامعه حاکم باشد، کارآفرینان این منابع را برای منافع شخصی خویش و به بهای از دست دادن رشد اقتصادی به کار خواهند گرفت. بامول معتقد است، تلاش‌ها و فعالیت‌های افراد کارآفرین بر اساس کیفیت نهادهای اقتصادی، سیاسی و قانونی حاکم بر جامعه شکل و جهت می‌گیرد. در واقع، این ساختار نهادی است که تعیین می‌کند تلاش‌های کارآفرینانه در جهت فعالیت‌های مولد باشد یا غیرمولد. نهادهای مناسب با فراهم آوردن حقوق مالکیت، ایجاد سیستم قضایی عدالت محور، اجرای قراردادهای و ایجاد محدودیت‌های قانونی مؤثر در راه بی‌قانونی، باعث کاهش سودآوری فعالیت‌های غیرمولد می‌شوند و مقدمات حرکت افراد به سمت فعالیت‌های مولد را فراهم می‌کنند. در این نگرش، تصمیم به انجام فعالیت‌های کارآفرینانه، به نرخ سود یا بازده فعالیت‌ها که کیفیت نهادهای سیاسی و قانونی عوامل تعیین‌کننده آن هستند، بستگی دارد.

1- Unproductive Entrepreneurship

2- Destructive Entrepreneurship

حکمروایی خوب یا بد از طریق نهادها جاری می‌شود بنابراین لزوم پرداختن به نهادها به‌عنوان ابزاری برای حکمروایی خوب/بد در اینجا تشریح می‌گردد.

نظریه نهادگرایی نوین و کارآفرینی مولد/غیرمولد: مکتب نهادگرایی نوین از جمله نظریاتی است که دامنه وسیعی از موضوع حاضر را پوشش داده و این تحقیق با تأکید بیشتری بر نظریات این مکتب به‌ویژه سخنگوی فعال آن یعنی داگلاس نورث بحث را ادامه می‌دهد. محیطی که اقتصاد را شکل می‌دهد، بر پویایی‌های کارآفرینی در درون هر کشور اثر می‌گذارد. این محیط از طریق وابستگی‌های متقابل بین توسعه اقتصادی و نهادها شناخته می‌شود که بر سایر مشخصات مانند کیفیت حکمرانی، دسترسی به سرمایه و سایر منابع، و ادراکات کارآفرینان اثر می‌گذارد. نهادها تعیین‌کننده‌های اساسی رفتار اقتصادی و مبادلات اقتصادی هستند و می‌توانند آثار مستقیم و غیرمستقیمی بر عرضه و تقاضای کارآفرینان بگذارند (پاداش و نیکونسبتی، ۱۳۸۷: ۱۳۱).

نورث معتقد است نحوه عملکرد نهادها در هر جامعه‌ای مسیر فعالیت‌های اقتصادی آن جامعه را شکل می‌دهد. «نهادها»، هم شامل قواعد غیررسمی، عرف و تمامی محدودیت‌های اجتماع هستند که ممکن است نانوشته یا غیررسمی باشند ولی در بین افراد آن جامعه ساری و جاری باشند و هم شامل قواعد رسمی، قوانین و مقررات یک جامعه است که بخش بوروکراسی اداری جوامع و سازمان‌ها را تشکیل می‌دهند. این نهادها می‌توانند مانع یا مشوق تولید باشند. «نهادها» در واژه‌نامه نورث، قواعد بازی هستند و سازمانها و شرکتها بازیگران آن می‌باشند. هرگاه قواعد بازی به‌گونه‌ای پیش رود که بازیگران را مجبور یا تشویق به امور غیرتولیدی (غیرمولد) نماید، آنگاه این بازیگران طبق این قواعد بازی، شیوه غیرمولد فعالیت اقتصادی را در پیش خواهند گرفت. تعامل بین نهادها و سازمانها است که تحول نهادی اقتصاد را شکل می‌دهد (نورث ۱۹۹۴ و نورث، ۲۰۰۰). عاملان تغییر، کارآفرینان هستند؛ آنها به محرک‌های نهادی در جامعه واکنش نشان می‌دهند (نورث، ۱۳۸۵: ۶-۱۳۵).

فرضیه‌های پژوهش

۱. بین حق اظهار نظر مردم و پاسخگویی مسئولان و شیوه فعالیت اقتصادی کارآفرینان رابطه وجود دارد.
۲. بین آرامش و ثبات سیاسی و شیوه فعالیت اقتصادی کارآفرینان رابطه وجود دارد.
۳. بین کارایی حکومت و شیوه فعالیت اقتصادی کارآفرینان رابطه وجود دارد.
۴. بین کیفیت قوانین و مقررات و شیوه فعالیت اقتصادی کارآفرینان رابطه وجود دارد.
۵. بین حاکمیت قانون و شیوه فعالیت اقتصادی کارآفرینان رابطه وجود دارد.
۶. بین شیوع فساد اقتصادی و شیوه فعالیت اقتصادی کارآفرینان رابطه وجود دارد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

به تبعیت از نظریه بامول، منظور از کنش اقتصادی مولد، هر نوع کنشی که در راستای تولید است و از آن به‌عنوان کارآفرین مولد نام برده می‌شود، در برابر کارآفرین غیرمولد و مخرب که کنش اقتصادی وی غیرتولیدی، رانتی و واسطه‌گری است. طبق تعریف کارآفرینی غیرمولد به‌نوعی کارآفرینی گفته می‌شود که به شخص کارآفرین منفعت می‌رساند، ولی برای کل اقتصاد منفی ندارد. کنش‌های اقتصادی‌ای نظیر دلالی، واسطه‌گری و تجارت حاصل بهم ریختن توازن قیمت‌ها (استفاده از فضاهای رانتی ایجاد شده در اقتصاد) و هر گونه سرمایه‌گذاری در بخش غیرتولیدی (از جمله مسکن، بازار طلا، پول) و رانت جویانه با توسل به ارتباط با مراجع قدرت را کنش اقتصادی غیرمولد (نا بهره‌ور) گویند. برای سنجش این متغیر در دو بعد مذکور چندین گویه در سطح مقیاس لیکرت طراحی شد برای مثال برای کارآفرینی مولد گویه‌ای چون «در اوضاع و احوال کنونی کشور، فکر می‌کنم کار تولیدی نسبت به فعالیت‌های دیگر مثل واسطه‌گری و دلالی، به صرفه است و سود فراوانی دارد» و برای کارآفرینی غیرمولد نیز گویه‌ای مثل «به‌نظرم به کار تولیدی در جامعه ما ارزش و بهای چندانی داده نمی‌شود. بهمین علت تمایل دارم حوزه‌های دیگری که مطمئناً سود بیشتری دارد شوم (مثل دلالی واسطه‌گری و یا سرمایه‌گذاری در مسکن)» مطرح شد.

حکمروایی خوب میزان جاری شدن شش مؤلفه مورد نظر بانک جهانی در جامعه می-باشد. برای هر یک از ابعاد ششگانه مؤلفه‌های حکمروایی خوب چندین سوال در پرسشنامه گنجانده شد. در مصاحبه اپیزودیک نیز از این سوالات در مواقعی که چنانچه پاسخگو هیچ اشاره‌ای به مؤلفه نمی‌نمود، به‌عنوان سوال مولد روایت، استفاده شد. سوالاتی نظیر: «شما فکر می‌کنید تا چه حد، مسئولان در برابر کارهایی که انجام می‌دهند پاسخگو و صریح بوده و مسئولیت انجام اقدامات خود را به عهده می‌گیرند؟»، «در برخی از کشورهای جهان شاهد آرامش و ثبات سیاسی در سطح کشور و هماهنگی بین مسئولان بالا رتبه مملکتی (از جمله نمایندگان مجلس، وزیران و رئیس‌جمهور و مجموعه دستگاه قضایی) هستیم. این مساله را تا چه حد در جامعه خودمان احساس می‌کنید؟»، «به نظر شما در حال حاضر تا چه اندازه در جامعه ما فساد اقتصادی وجود دارد؟».

روش‌شناسی

نوع مطالعه در این تحقیق از نوع ترکیبی (کمی و کیفی) است. در بخش کمی از «پیمایش» و در بخش کیفی از «روش تحلیل مضمون» استفاده شده است.

ابزار گردآوری داده‌های بخش کمی، پرسشنامه می‌باشد و در بخش کیفی گردآوری داده‌ها با استفاده از مصاحبه اپیزودیک صورت گرفت. مزیت اصلی این نوع مصاحبه آن است که شما به دفعات از مصاحبه‌شونده می‌خواهید تا وضعیت‌ها را برایتان روایت کند. علاوه بر این می‌توان به زنجیره‌ای از وضعیت‌ها اشاره کرد (فلیک، ۱۳۸۲ : ۲۰۷). بدین صورت که برای فهم و درک تجربه زیسته کارآفرینان از فضای حاکم بر مناسبات اقتصادی و جهت ثبت رویدادی که آن‌ها عیناً و مستقیماً در جهان زندگی و کاری با آن برخورد نموده‌اند، از مصاحبه اپیزودیک استفاده شده است.

جامعه آماری بخش کمی این مطالعه را کارآفرینان سطح استان همدان تشکیل می‌دهند. در این پژوهش به‌منظور پوشش کامل جامعه آماری کارآفرینان استان همدان از آمار اداره کل تأمین اجتماعی استان همدان استفاده شد که در آمارنامه سال ۱۳۹۱ آمده است. در این آمارنامه، جمع کل کارگاه‌های فعال تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی به

تعداد ۲۱۹۵۳ کارگاه (برابر هر کارگاه یک کارآفرین) آمده است (آمارنامه اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان همدان، ۱۳۹۱: ۱۶۴).

در این تحقیق با استفاده از نرم‌افزار Sample Power اقدام به برآورد حجم نمونه کردیم. از آنجایی که مطالعه ما از نوع مطالعات معطوف به تصمیم است که در آن به بررسی وجود یا عدم وجود رابطه آماری بین متغیرهای تحقیق می‌پردازد، قبل از هر کاری پیش فرض‌های خود را اینگونه تعریف کردیم:

۱- پیش فرض اول تحقیق حاضر (رد احتمال خطای نوع اول): یا همان معنی‌داری^۱ با در نظر گرفتن آلفای ثابت به مقدار $\alpha=5$

۲- پیش فرض دوم تحقیق حاضر (رد احتمال خطای نوع دوم): معمول است که این احتمال نباید از مقدار $\beta=4\alpha$ تجاوز کند. به عبارت دیگر، اگر $\alpha=0.05$ باشد β باید از ۲۰ درصد بیشتر نباشد.

برای اینکه مقدار بتا β بیشتر از ۲۰ نشود باید توان آماری را بالای ۸۰ گرفت. زیرا طبق قاعده $\text{Power}=(1-\beta)$ یعنی هرچه بر مقدار توان آماری افزوده شود، بتا کاهش خواهد یافت. در این تحقیق پیش فرض توان آماری را بیشتر از ۸۰ در نظر گرفتیم.

۳- پیش فرض سوم (در نظر گرفتن حجم اثر^۲): همان مقدار خطایی است که با d نشان می‌دهند و از تقسیم تفاوت میانگین‌ها^۳ بر انحراف استاندارد به دست می‌آید. در تحقیق حاضر این رقم برابر $0/08$ به دست آمد.

حجم نمونه در تحقیق حاضر با پیش فرض‌های فوق و وارد نمودن آنها در نرم‌افزار Spss Sample Power به مقدار ۳۷۰ نفر به دست آمد.

شیوه نمونه‌گیری بخش کمی نیز از نوع ترکیبی (مطبق و تصادفی ساده) از تمامی شهرستان‌های استان همدان صورت گرفت. در بخش تصمیم‌گیری برای میزان حجم

1- Significant

2- Effect Size

3- difference in means

مناسب نمونه برای مطالعه کیفی، گرچه به نظر پاتون^۱ «هیچ قاعده‌ای برای حجم نمونه (تعداد مشارکت‌کنندگان) در پژوهش کیفی وجود ندارد (پاتون، ۲۰۰۲: ۲۴۴)، اما آنچه که در بیشتر مطالعات کیفی برای تعیین حجم نمونه رایج است استفاده از مفهوم اشباع^۲ (گلیزر ۱۹۹۲) یا تکرار^۳ (لینکلن و کوبا، ۱۹۸۵: ۲۰۲) می‌باشد، یعنی نمونه‌گیری زمانی متوقف می‌شود که داده‌ها یا نمونه‌های بیشتر دیگر کمکی به موضوع مورد پژوهش نکند. بنابه توصیه برخی روش‌شناسان مانند پرتاکس حداقل نمونه برای همه پژوهش‌های کیفی ۱۵ نمونه است (همتی، ۱۳۹۰). در نتیجه محقق، از کارآفرینانی که در سال‌های ۱۳۸۵ به بعد بعنوان کارآفرین نمونه استانی برگزیده و معرفی شده بودند، به صورت هدفمند انتخاب و مصاحبه اپیزودیک به عمل آمد، که تعداد این افراد بعد از اشباع نظری به ۳۰ نفر رسید.

اعتبار بخش کمی که در آن از پرسشنامه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده بود، با اتکا به اعتبار صوری^۴، مورد تأیید صاحب‌نظران و کارآفرینان تضمین شد. در این بخش اعتبار همگرا^۵ نیز مورد محاسبه قرار گرفت که در جدول (۳) آمده است. اعتبار (یا روایی) همگرا نشان‌دهنده «میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده»^۶ بین هر سازه با شاخص‌های خود است.

در این تحقیق برای محاسبه پایایی گویه‌های پرسشنامه از ضریب آلفای کرونباخ و ضرایب پایایی ترکیبی^۷ استفاده کردیم. برتری ضرایب پایایی ترکیبی نسبت به آلفای کرونباخ در این است که پایایی سازه‌ها نه به صورت مطلق بلکه با توجه به همبستگی سازه‌هایشان با یکدیگر محاسبه می‌گردد (داوری و همکاران، ۱۳۹۳: ۷۹).

-
- 1- Patton, MQ
 - 2- Saturation
 - 3- Redundancy
 - 4- Face Validity
 - 5- Convergent Validity
 - 6 - Average Variance Extracted
 - 7- Composited Reliability

جدول شماره ۳: ضرایب پایایی سازه‌ها

عاملها	تعداد گویه‌ها	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی	اعتبار همگرا
			CR	AVE
حکمروایی خوب	۲۷	۰/۸۵	۰/۷۳	۰/۷۸
حق اظهار نظر و پاسخگویی	۲	۰/۷۶	۰/۸۹	۰/۸۱
میزان آرامش و ثبات سیاسی	۳	۰/۸۲	۰/۸۸	۰/۷۳
کیفیت قوانین و مقررات	۸	۰/۷۱	۰/۷۹	۰/۷۵
کارایی حکومت	۴	۰/۸۲	۰/۸۷	۰/۶۴
حاکمیت قانون	۴	۰/۸۳	۰/۸۸	۰/۶۷
کنترل فساد در جامعه	۶	۰/۸۴	۰/۸۴	۰/۶۰
کارآفرینی غیرمولد	۹	۰/۸۴	۰/۸۶	۰/۶۲

برای مشروعیت بخشی در بخش کیفی، با توجه به استفاده از تحلیل مضمون در تحلیل داده‌ها، از «به‌کارگیری تطابق همگونی» برای مشروعیت بخشی استفاده شد. مفهوم «تطابق همگونی»، به استفاده از روش‌های مختلف جمع‌آوری داده‌ها یا بهره‌گیری از منابع مختلف، جهت مطالعه پدیده‌ای خاص اطلاق می‌شود (کینگ و هوروکس، ۲۰۱۰: ۱۶۴). انواع مختلفی از تطابق همگونی در تحلیل‌های کیفی پیشنهاد شده است اما دنزین (به نقل از کینگ و هوروکس)، چهار نوع متمایز آن یعنی همگونی در داده‌ها، تطابق همگونی در روش‌شناسی، تطابق همگونی در نظریه و تطابق همگونی در پژوهشگران را معرفی کرده‌اند (عابدی جعفری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹۱) که در پژوهش حاضر سه وجه اول از چهار وجه تطابق همگونی مورد نظر دنزین جهت تضمین پایایی نتایج تحقیق رعایت شده است.

برای تحلیل یافته‌های بخش کمی از آماره‌ها و آزمون‌های متناسب با سطح اندازه‌گیری هریک از متغیرها استفاده شد و تحلیل‌های چندمتغیره با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری تحت نرم‌افزار Amos انجام گرفت. برای بخش کیفی از آنجا که هدف محقق این بود که تا حد ممکن برداشت‌های ذهنی و تهنسست‌های فکری کارآفرینان از مؤلفه‌های حکمروایی خوب بر جامعه را دریابد، تا علل احساس بی‌میلی به تولید و دوری از تولید و جذب و سرمایه‌گذاری در بخش‌های غیرتولیدی (غیرمولد) را از لابه‌لای تهنسست‌های ذهنی و ارزش‌ها و هنجارهای درونی‌شده و آموخته‌شده آنان از جامعه و نوع نگاه و معنایی را که آنها به فعالیت در این فضای اقتصادی می‌دهند، بیرون بکشد، از مصاحبه‌های نیمه‌عمیق

و تحلیل مضمون این مصاحبه‌ها استفاده شد. واحد تحلیل در این مطالعه دقیقاً همان مضمون یا تم^۱ یا آنچه که در یک روایت (معمولاً یک پاراگراف) از کارآفرین نقل می‌شد در نظر گرفته شد. در روش شناخت مضامین ترکیبی از «توجه به کلمات کلیدی»، «توجه به مفاهیم مکنون»، «شناخت موضوعات برجسته و مهم نظری»، «کشف رابطه‌ها»، «شناخت بخش‌های مرتبط با هم و برش و انتقال آن‌ها در کنار هم و مرتب کردن مجدد متن» استفاده شد. فرایند تحلیل مضمون، زمانی شروع می‌شود که تحلیلگر به دنبال شناخت الگوهایی از معانی و موضوعات در داده‌ها باشد. نقطه پایان این فرآیند نیز تهیه گزارشی از محتوا و معانی الگوها و مضامین در داده‌ها است. نکته مهم دیگر این است که تحلیل‌های کیفی، از مجموعه‌ای از خطوط راهنما استفاده می‌کنند و نه مجموعه‌ای از قوانین مشخص (پاتون، ۱۹۹۰: ۱۴۵). همچنین، این فرایند، فرایندی خطی نیست زیرا تحلیل مضمون، مستلزم فرایندی رفت و برگشتی در کل مجموعه داده‌هاست (جدول ۹).

یافته‌های کمی پژوهش

الف: یافته‌های توصیفی

نمونه آماری این تحقیق دارای مشخصاتی به شرح زیر می‌باشند: ۸ درصد از کارآفرینان زن و ۹۲ درصد را مردان تشکیل می‌دهند. ۱۲ درصد سنی بین ۱۶ تا ۲۵ سال، ۴۶ درصد سنی بین ۲۶ تا ۳۵ سال، ۳۲ درصد ۳۶ تا ۴۹ ساله و ۱۰ درصد بالاتر از ۵۰ سال دارند. همان‌طوری که شاهد هستیم نزدیک به نصف کارآفرینان نمونه، در سن جوانی هستند. نزدیک به نصف آنها لیسانس دارند (۴۴ درصد) و ۷۲/۴ درصد دارای انگیزه کارآفرینی غیرمولد هستند. قابل توجه اینکه تنها ۵ درصد از پاسخگویان دارای انگیزه زیاد و یا بسیار زیاد برای فعالیت کارآفرینانه مولد هستند. میانگین سنی افراد ۳۴ سال، میانگین تحصیلی آنها فوق دیپلم است. از آنجائی که نمره ۱ به گزینه خیلی زیاد و نمره ۵ به خیلی کم داده شده است، میانگین ۲/۳ در کارآفرینی مولد، نشان‌دهنده گرایش پائین به کارآفرینی مولد و میانگین ۱/۷ نشان‌دهنده گرایش زیاد به کارآفرینی غیرمولد در بین کارآفرینان است. همچنین میانگین‌های بالای ۳ در بقیه متغیرهای جدول نشان‌دهنده ارزیابی پائین افراد از مؤلفه‌های حکمروایی خوب و سایر

متغیرهای مستقل است (جدول ۴).

جدول شماره ۴: میانگین گویه‌های متغیرهای مستقل و وابسته

میانگین	ابعاد	متغیرها
۳/۹۸	حق اظهار نظر و پاسخگویی	حکروایی خوب
۳/۴۹	ثبات و آرامش سیاسی	
۳/۹۸	کارایی حکومت	
۳/۶۳	کیفیت قانون و مقررات	
۳/۲۶	حاکمیت قانون	
۳/۴۸	کنترل فساد اقتصادی	
۲/۳	کارآفرینی مولد	کارآفرینی
۱/۷	کارآفرینی غیرمولد	

ب: یافته‌های استنباطی

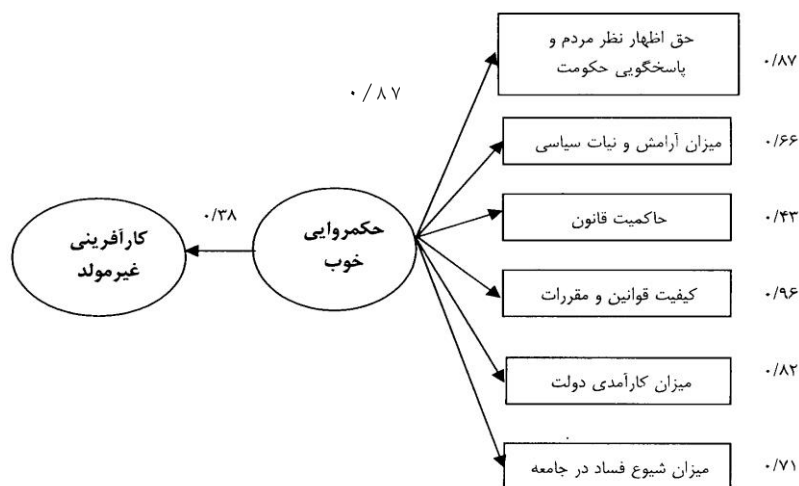
همان‌طوری که در جدول (۵) مشاهده می‌شود همه فرضیه‌های تحقیق با درجه معنی‌داری بالایی تأیید شدند ولی متغیر سن، تحصیلات و تعداد کارگران (از متغیرهای زمینه‌ای) با کنش اقتصادی کارآفرینان رابطه‌ای نداشتند. تفاوت اندکی بین کارآفرینی غیرمولد در زنان و مردان مشاهده شد ($\text{Eta}=0.17$) به‌طوری‌که مردها بیشتر از زنان به کارآفرینی غیرمولد گرایش دارند. سابقه فعالیت با کارآفرینی غیرمولد رابطه معکوس و معنی‌داری دارد یعنی با افزایش سابقه فعالیت کارآفرینان، از کارآفرینی غیرمولد کاسته می‌شود. نوع فعالیت با کارآفرینی غیرمولد رابطه معنی‌داری دارد، به‌طوری‌که میانگین کارآفرینی غیرمولد در حوزه خدمات بیشتر از کشاورزی و صنعت است، همچنین میانگین نمره کارآفرینی غیرمولد در کشاورزی بیشتر از صنعت است.

از جمله بالاترین میزان همبستگی بین میزان شیوع فساد و کنش اقتصادی کارآفرینان بود که با ضریب برابر با $-0/41$ از همبستگی بالایی برخوردار بود. به عبارت دیگر هرچه میزان شیوع فساد در جامعه بیشتر کنترل شده باشد، میزان کارآفرینی غیرمولد کمتر است. پائین‌ترین میزان همبستگی قبول شده نیز متعلق به رابطه میزان ثبات و آرامش سیاسی با کنش اقتصادی کارآفرینان بود که با $-0/18$ شدت همبستگی این رابطه نیز با درجه معنی‌داری ۹۹ درصد پذیرفته گردید. به عبارت دیگر هرچه میزان ثبات و آرامش سیاسی در جامعه کمتر باشد، میزان کارآفرینی غیرمولد بیشتر است.

جدول شماره ۵: همبستگی مرتبه صفر متغیرهای مستقل و وابسته

متغیرهای مستقل	میزان همبستگی	سطح معنی داری
سن	۰/۰۷۲	۰/۱۶۸
جنس	-۰/۱۷	۰/۰۰۳
تحصیلات	-۰/۱۶	۰/۱۲۲
سابقه فعالیت	-۰/۱۳	۰/۰۰۹
نوع فعالیت	-۰/۲۷	۰/۰۰۱
تعداد کارگران	۰/۰۳۶	۰/۴۸۶
حق اظهار نظر و پاسخگویی به مردم	-۰/۲۶	۰/۰۰۰
میزان ثبات و آرامش سیاسی	-۰/۱۸	۰/۰۰۰
کیفیت قوانین و مقررات	-۰/۲۶	۰/۰۰۰
کارایی حکومت	-۰/۳۱	۰/۰۰۰
حاکمیت قانون	-۰/۳۰	۰/۰۰۰
میزان کنترل شیوع فساد	-۰/۴۱	۰/۰۰۱

در این بخش با استفاده از نرم‌افزار Spss و Amos اقدام به محاسبه مدل معادله ساختاری و برازش مدل نمودیم. نتیجه محاسبه در قالب مدل زیر ارائه گردیده است.



شکل شماره ۲: مدل معادله ساختاری تأثیر حکمروایی خوب بر فعالیت اقتصادی کارآفرینی غیرمولد (جدول ۷)

مطابق با نتایج مندرج در جدول شماره ۶، مقدار کای اسکوئر بهنجار برابر با ۳/۵ نشان دهنده مطلوب بودن مدل می‌باشد یعنی مدل به‌خوبی برازش شده و مناسب است. سایر شاخص‌ها نیز در وضعیت نسبتاً مطلوبی قرار دارند.

جدول شماره ۶: شاخص‌های برازش مدل نهایی

شاخص‌های برازش مدل	نام شاخص	علامت اختصاری	مقدار در مدل برازش شده	P	تفسیر نتایج
برازش مطلق ^۱	کای اسکوئر بهنجار	CMIN/DF	۳/۵	۰/۰۰۰	کمتر از ۵ مورد تأیید است
برازش تطبیقی ^۲	برازش تطبیقی	CFI	۰/۸۳	-	هرچه به یک نزدیک‌تر بهتر
	توکر- لویس	TLI	۰/۸۱	-	هرچه به یک نزدیک‌تر بهتر
	تطبیقی مقتصد	PCFI	۰/۷۲	-	حداقل ۰/۵۰
برازش مقتصد ^۳	ریشه دوم میانگین مربعات	RMSEA خطای برآورد	۰/۰۹	-	هرچه کمتر از ۰/۱ بهتر
هلتر ^۴	هلتر	HOELTER	۱۰۴ پاسخگو	-	کافی بودن حجم نمونه

ضریب رگرسیونی استاندارد (β) فرضیه اصلی مدل نشان می‌دهد که به‌طور متوسط با ثابت فرض کردن سایر عوامل، در ازاء یک واحد افزایش در مؤلفه‌های حکمروایی خوب، کارآفرینی غیرمولد به‌میزان ۰/۳۸ انحراف معیار کاهش می‌یابد. هم‌چنین ضریب تعیین مدل به مقدار ۰/۱۶ نشان می‌دهد ۱۶ درصد از واریانس متغیر وابسته (شیوه فعالیت اقتصادی کارآفرینان) توسط متغیرهای حاضر در مدل (مؤلفه‌های حکمروایی خوب) تبیین می‌شود.

- 1- Absolute Fit Indices
- 2- Comparative Fit Indices
- 3- Parsimonious Fit Indices
- 4- Hoetler s Index

جدول شماره ۷: ضرایب رگرسیونی استاندارد در مدل کارآفرینی غیرمولد

ردیف	عاملها	حکمروایی خوب B	حکمروایی خوب β	کنش اقتصادی غیرمولد	Sign= 0/05
-	حکمروایی خوب	-	-	۰/۳۸	۰/۰۰۰
۱	حق اظهار نظر و پاسخگویی	۱	۰/۸۷	-	۰/۰۰۰
۲	میزان آرامش و ثبات سیاسی	۰/۸۹	۰/۶۶	-	۰/۰۰۰
۳	کیفیت قوانین و مقررات	۰/۴۴	۰/۴۳	-	۰/۰۰۰
۴	کارایی حکومت	۱/۰۷۳	۰/۹۶	-	۰/۰۰۰
۵	حاکمیت قانون	۰/۷۹	۰/۸۲	-	۰/۰۰۰
۶	کنترل فساد در جامعه	۰/۵۹	۰/۷۱	-	۰/۰۰۰

یافته‌های کیفی پژوهش

همان طوری که در جدول شماره ۸ می‌بینیم اغلب مصاحبه شونده‌گان مرد، ۳۱ تا ۴۰ سال، فوق دیپلم و لیسانس که دارای سابقه کاری بین ۵ تا ۲۵ سال دارند و اغلب در بخش صنعت مشغول فعالیت هستند.

جدول شماره ۸: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه شونده‌گان

ویژگی‌ها	فرآوانی	درصد
جنس	زن	۲
	مرد	۲۸
سن	۲۰ تا ۳۰ سال	۵
	۳۱ تا ۴۰ سال	۱۸
	۴۱ و بیشتر	۷
تحصیلات	دیپلم و پائین‌تر	۸
	فوق دیپلم و لیسانس	۱۷
	فوق لیسانس و بالاتر	۵
سابقه فعالیت	کمتر از ۵ سال	۱۵
	۵ تا ۲۵ سال	۱۲
	بالاتر از ۲۵ سال	۳
فعالیت در بخش	کشاورزی	۶
	صنعت	۱۸
	خدمات	۶

یافته‌های تحلیلی

یافته‌های تحقیق کیفی، بوسیله تحلیل مضمون و با طی کردن مراحل زیر استخراج شده‌اند:

(۱) گام اول- آشنا شدن با داده‌ها: تدوین راهنمای مصاحبه، انتخاب تک تک کارآفرینان، دعوت به مصاحبه و انجام مصاحبه توسط محقق صورت گرفت. متن مصاحبه‌ها از فایل‌های صوتی آماده و سپس یادداشت شده و مورد مطالعه و بازبینی مجدد قرار گرفت.

(۲) گام دوم- ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری: در پژوهش حاضر از کدها برای تقسیم‌بندی جملاتی که حاوی مضامین پایه می‌باشد، استفاده و کدگذاری اولیه انجام گرفت. دقت شد که مضمون‌ها جامع و مانع باشند و مضامین مستقل و جدا از سایر مضامین کدگذاری شوند.

(۳) گام سوم- جست‌وجو و شناخت مضامین (تشکیل مضامین پایه): گام سوم، وقتی شروع شد که همه داده‌ها، کدگذاری اولیه و گردآوری شدند و فهرستی طولانی از کدهای مختلف در مجموعه داده‌ها، شناخته شد. ابتدا همه جملات کدگذاری گردیدند. جملات کدگذاری شده با مضامین در ارتباط قرار گرفتند و هر جمله کدگذاری شده در پوشه مضمون خود طبقه‌بندی گردید. در این مرحله، کدها تجزیه و تحلیل شدند و به نحوه ترکیب و تلفیق کدهای مختلف جهت تشکیل مضمون پایه، توجه شد. مضامین پایه شکل گرفتند و تارنمای هر مضمون پایه (و برای هر یک از آنها به‌طور جدا) به همراه کدهای (جملات) اختصاص داده شده به آن مضمون ترسیم شد. در یک پالایش کلی از مضامین مشخص شده، مضامین تکراری ادغام و کدهای اختصاص داده شده به هر مضمون تا حد ممکن مجزا و منفک و تا حد ممکن به یک مضمون اختصاص داده شدند. این مضامین در شبکه مضامین (شکل شماره ۳) نشان داده شده است

(۴) گام چهارم- ترسیم شبکه مضامین (تشکیل مضامین سازمان‌دهنده و شبکه مضامین و رسیدن به مضمون هسته‌ای یا فراگیر): بعد از آشکار شدن مضامین پایه در گام سوم، در گام چهارم سعی شد ارتباط بین مضامین مشخص شده پیدا شود. در برخی از مضامین که

گمان می رفت کدهای اختصاص داده شده متعلق به دو مضمون جداگانه‌ای باشند، به مضامین جداگانه‌ای تقسیم شدند. مضامین به دست آمده از متن در گروه‌های مشابهی دسته‌بندی شدند که منطبق با مبانی نظری تحقیق حاضر بود. سپس مضامین و گروه‌های مضامین، مضامین سازمان دهنده را تشکیل دادند که در نهایت به مضمون فراگیر منتهی شدند. از جمله مضامینی که شبکه مضامین را تشکیل داده و بعنوان مضامین سازماندهنده شناخته شدند عبارتند از: عدم کارآمدی نهادها، میزان پاسخگویی و شفافیت مسئولان، کارآمدی دولت، کیفیت قوانین و مقررات (بخصوص قوانین مالیاتی).

۵) گام پنجم-تحلیل شبکه مضامین: گام پنجم وقتی شروع می‌شود که پژوهشگر به شبکه مضامین رضایت‌بخشی رسیده باشد. در پژوهش حاضر در این گام، شبکه‌های مضامین رسم شده، بررسی و تجزیه و تحلیل شدند (شکل شماره ۳).

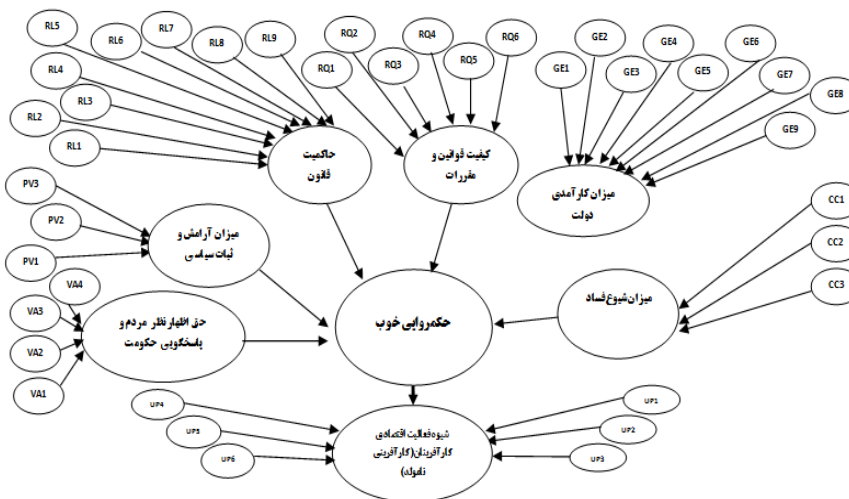
۶) گام ششم-تدوین گزارش: گام ششم، وقتی آغاز می‌شود که مجموعه کاملی از مضامین نهایی، فراهم شده باشد. در این مرحله، تحلیل و تدوین گزارش نهایی تحقیق، صورت گرفت و یافته‌های حاصل از تحقیق کیفی به شرح جدول (۹) تدوین و گزارش شد.

جدول شماره ۹: استخراج مضامین پایه، سازمان دهنده و فراگیر از متن مصاحبه‌ها

مضامین فراگیر	مضامین سازمان دهنده	کدها	مضامین پایه	نمونه‌ای از برخی روایت‌های پاسخگویان در مصاحبه ایپزودیک
حکمرانی خوب	حق اظهار نظر و پاسخگویی مسئولان	VA1 VA2 VA3 VA4	عدم تضمین حقوق مدنی -عدم انگیزه دهی به افراد باسواد و کاربلد جهت حضور در تشکل‌های خانه صنعت و خانه بازرگانی و خانه کارگر (سیاسی‌بازی) -مسئولان از زیر بار مسئولیت شانه خالی می‌کنند	س: تا چه حد مسئولان مملکت به نظرات و خواسته‌های کارآفرینان و تولیدکنندگان اهمیت می‌دهند؟ پ: آنقدر که مرگ تولید فرا رسیده و بازار دلالی فراهم شده. -«در اینگونه مواقع [اختلافات کارگری و کارفرمایی] تشکل‌هایی را جامعه می‌طلبد. می‌طلبد که بخش خصوصی فعال شود، متأسفانه بخش خصوصی در کشور ما در اینگونه امور دخالت داده نشده است. بخش خصوصی باید باشد تا حرف بزند. خواسته‌های زیرمجموعه خودشان را از دولت و مسئولان درخواست کنند. ولی متأسفانه در اینجاها هم به آدمای باسواد اجازه عرض اندام نمی‌دهند». -حکومت هر کم و کاستی دارد، می‌اندازد گردن کارفرما
میزان ثبات و آرامش سیاسی		PV1 PV2 PV3	جناح بازی افراطی سیاسی‌کاری نابجا سیاست‌زدگی اقتصاد	- هر حزب و جناحی هم تو این مملکت به قدرت برسه وضع همینه. -نماینده‌ها بجای اینکه نماینده مردم باشن، شدن نماینده دولت یا به عده خاص

	کارایی حکومت GE1 GE2 GE3	خرابکاری تولید ناشی از عوامل سیاسی پیش‌بینی ناپذیری امور ناکارآمدی مسئولان	من کار خودم را به‌عنوان تولیدکننده می‌کنم و از دولت و مسئولان و بانک مرکزی هم انتظار دارم که وظیفه خودشان را که تثبیت نرخ ارز و جلوگیری از نوسانات قیمت است به نحو احسن انجام دهند ولی شاهد بودیم که چنین کاری انجام ندادند. -مسئولان الگوی خوبی برای مردم نیستند. هیچ‌کسی سر جای خودش نیست.
حکمروایی خوب	کیفیت قانون و مقررات RQ1 RQ2 RQ3	عدم وجود قوانین و مقررات حمایت‌گر حفره‌های موجود در فرامالیاتی ژروتمندان -احساس بی‌عدالتی در قانون	-قانون و مقررات اشکال داره و در خدمت تولید نیست -«در قضیه مالیات در کشور ما کسی مالیات نمی‌دهد. می‌آیند مالیات را از تولیدکننده و کارمند دولت می‌گیرند. تولیدکننده یا کارمند دولت چی دارد که مالیات را از وی می‌گیرید اونهایی که باید مالیات بدهند میلیاردری‌اند، در تجارتند، در بازارند، شما در نظر بگیرید اینهمه ساختمان ساخته می‌شود و با ده بیست برابر فروخته می‌شود کسی از اینها مالیات می‌گیرد؟! هیچ‌کسی وظیفه‌اش را انجام نمی‌دهد.»
	حاکمیت قانون RL1 RL2 RL3	احساس بی-عدالتی روبه-ای، بی‌قانونی پارٹی بازی،	وقتی می‌بینم قانون داره ظلم می‌کنه در حقم بله که رعایت نمی‌کنم. اصلا کی رعایت می‌کنه که منم بکنم؟!!!!

<p>کنترل فساد در دستگاه‌های دولتی</p>	<p>CC1 CC2 CC3</p>	<p>اختلاس - سوءاستفاده از موقعیت دولتی به نفع شخصی - بده بستن غیرمشموع سیاست و اقتصاد</p>	<p>- آگه جلوی اختلاس ۳ هزار میلیاردی قاطعانه برخورد می‌کردند، مردم اینقدر دور بر نمی‌داشتن برای کلاهبرداری از هم. - هر کسی رو می‌بینی تو کار دولتی، حتماً از موقعیتش برای دست کشیدن به زندگی و بارشو بستن استفاده می‌کنه. - متأسفانه می‌بینیم که نمایندگان مجلس هم معامله‌گر شده‌اند.</p>
<p>کارآفرینی غیرمولد</p> <p>تشویق نهادها به کارآفرینی غیرمولد</p>	<p>UP1 UP2 UP3 UP4</p>	<p>- عدم حمایت مسئولان از تولید - بی‌انگیزگی کارفرمایان به کار تولیدی - عدم توجه به تولید - سود و آزادی اقتصادی در کار واسطه‌گری و تجارت</p>	<p>- کارفرماها دیگه حاضر نیستند ادامه دهند به کار تولیدی. - بازاری‌ها هر لحظه می‌توانند ثروت خود را جمع کرده و برخی از اصناف می‌توانند به دولت فشار وارد آورند مانند آهن-فروش‌ها (در بحث مالیات‌گیری دولت) ولی تولید کننده چی؟! تا ابد پابنده تولیدشه. نمیتونه تکیه بخوره. - کار تولید دیوونگیه، قماره، سود نداره. - «تو مملکتی که می‌گن هرچی داری بفروش یک میلیارد بزار بانک (الان ۲۰ میلیارد ارزش دارایی ماست) ۲۰ میلیون تومان در ماه بگیر. نه با اداره کار، نه با اداره داره، نه با اداره دارایی کار داره، نه با تأمین اجتماعی کار داره، نه با کارگر کار داره، چه جوری می‌خوای مملکت سرپای خودش وایسه»</p>



شکل شماره ۳: شبکه مضامین مؤلفه‌های حکمروایی خوب و تأثیر آن بر روی شیوه فعالیت کارآفرینان (کارآفرینی غیرمولد)

همان طوری که در جدول شماره ۹ و شکل شماره ۳ در بخش کیفی به دست آمد، نتایج حاصل از مصاحبه اپیزودیک نیز منجر به استخراج همان مؤلفه‌هایی شد که گویای شش مؤلفه حکمروایی خوب بودند و نتایج تحلیل مضمون، نتایج بخش کمی را تأیید نمودند، ضمن آن که کارآفرینان در ادامه مصاحبه‌شان از خستگی کار تولیدی، شبیه نمودن تولیدگر در جامعه به قمار بازی که هر لحظه ممکن است کل دارایی‌اش را از دست بدهد و پیش بینی‌ناپذیری در عرصه تولید، همه نشان‌دهنده سوق داده شدن به کارآفرینی غیرمولد را در بین کارآفرینان نشان می‌داد. این نتایج نشان می‌دهد کارآفرینان در همه مؤلفه‌های حکمروایی خوب، ارزیابی پائینی از این مؤلفه‌ها داشته و در فعالیت اقتصادی خود نیز ترجیح می‌دادند تا با توجه به شرایط حاکم بر فضای اقتصادی و عملکرد نهادها، در کارهای غیرتولیدی و واسطه‌گری (که پیش‌بینی‌پذیر، زودبازده و کم ریسک است) بیشتر سرمایه‌گذاری کنند تا اینکه در گسترش امور تولیدی خودشان که در فضای اقتصادی جامعه‌ای که فاقد چنین مشخصاتی است، گام بردارند.

نتیجه‌گیری

در بخش کیفی (داده‌های حاصل از مصاحبه اپیزودیک که با روش تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل گردید) نشان می‌دهد کارآفرینان در صورت احساس ناخوشایند از وضعیت حکمرانی در جامعه، در اموری که ریسک بالایی دارند مانند امور تولیدی، کمتر سرمایه‌گذاری و فعالیت کرده و ترجیح می‌دهند سرمایه‌های خود را در امور غیر تولیدی که کمتر ریسک‌پذیر و به دور از نظارت دولت و دستگاه‌های دولتی است، به‌گرددش در آورند.

انسان‌ها بر اساس معنایی که به روندها، حوادث، رویدادها و محیط زندگی پیرامون خود می‌دهند، دست به فعالیت اقتصادی می‌زنند. در واقع انسان‌ها بر اساس معنادهی به تمامی امور در زندگی، حیات می‌گذرانند. بازار کاملاً از روند معنادهی کنشگران به رویدادها و عملکردها متأثر است. افراد بر اساس سیگنالهایی که از طرف جامعه (عملکرد سایر اعضای جامعه و عملکرد نهادها و مجریان آن) دریافت می‌کنند، پیوسته تجزیه و تحلیل و برنامه‌ریزی‌هایشان را مورد بازبینی و تفسیر قرار می‌دهند و سپس بر اساس همین بازبینی و تفسیر ادامه مسیر خود را می‌پیمایند. این امر بخصوص در دوران بحران‌های اجتماعی یا اقتصادی نقش پررنگ‌تری را بازی می‌کند و برای دانشمندان علوم اجتماعی محسوس‌تر است. انسان‌ها از بابت اینکه از روند یا سیاست حکمرانی خاصی رضایت یا نارضایتی دارند، احساس خوبی در پیگیری روند تجاری یا آینده‌نگری مثبت یا منفی در مورد معاملات از خود نشان می‌دهند و به‌طور ذهنی امواج منفی یا مثبتی که ناشی از معنادهی آن‌ها به روند امور است باعث تأثیرگذاری بر کنش اقتصادی افراد می‌شود. مصداق این قضیه را می‌توان ثبات یا چالش‌های نرخ‌گذاری در قیمت‌های بازار مشاهده کرد.

شیوع فساد اقتصادی در نهادها و سازمانها برابر است با نابودی سرمایه اجتماعی اندوخته شده (قمار اجتماعی). پدیده‌ای که ممکن است بر اثر آن یک ملت یک شبه تمامی اندوخته‌های فرهنگی و آموزه‌های اجتماعی و حتی مذهبی (سرمایه اجتماعی) خود را بیازد، پدیده شیوع فساد اقتصادی در سطح دولتمردان یک جامعه است.

اگر از سطح خرد شروع کنیم، یک فرد هنگامی دست به فساد اقتصادی (یعنی استفاده از جایگاه خود برای کسب منافع اقتصادی فردی) می‌زند که:

- الف- هیچ‌گونه تعهدی به جامعه بزرگ‌تر از خود (اجتماع یا مای ملی) نداشته و خود را جدا از اجتماع ملی تصور کند،
- ب- و این امر به شدت تشدید می‌شود زمانی که شیوع آن را به کرات از سوی سایر افراد جامعه مشاهده کرده باشد (همه‌گیر شده باشد)،
- پ- احساس تبعیض شدید در دسترسی برابر به فرصت‌ها مشاهده نماید و برای رفع آن خود را راسا مجری عدالت برای باز پس‌گیری حق خود بداند.
- ت- قبح اخلاقی فساد اقتصادی در جامعه شکسته شده باشد و به‌عنوان مثال از رشوه یا ادبیاتی مانند شیرینی، شیتیل و یا چرب کردن سیبیل طرف و هم‌چنین زیر میزی یاد شود،
- ث- فرد نه تنها بابت تخلف اقتصادیش از سوی جامعه طرد یا جریمه نشود بلکه در عرف غیر رسمی از آن با نام زرنگی یاد شود.
- ج- گروه‌ها و طبقات خاص جامعه که به‌عنوان الگو یا دیگران مهم محسوب می‌شوند، این عمل خود را مشروع و حق خود جلوه دهند.
- در سطح میانه و در جمع دوستان و خانواده و آشنایان، این امر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و با توجه به اینکه هر روز اخبار و روایاتی جدید رسمی و غیررسمی در خصوص فساد اقتصادی رد و بدل می‌شود، این‌گونه نتیجه‌گیری می‌شود که فرد در صورت عدم استفاده از وجود فرصت‌های سوء استفاده از منابع دولتی جهت منافع خصوصی دچار ضرر و زیان شده و حتی در صورت بیان چنین پاک‌دستی وی را از نظر ضریب هوشی، پائین ارزیابی و طبقه‌بندی می‌کنند.
- در سطح کلان نیز شیوع فساد اقتصادی (با عنوان اختلاس) بنیان‌های دینی و هویتی و ملی یک جامعه را متزلزل نموده و سرمایه اجتماعی را در پائین‌ترین حد خود نگاه می‌دارد. هر آسیبی که در حوزه اقتصادی توسط نهادها و سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی به سیستم اجتماعی وارد شود، سایر حوزه‌های فرهنگی اجتماعی و سیاسی را نیز مستعد آسیب و تبعات بعدی آن می‌کند. از آنجا که این نهادها و ارگان‌ها در جامعه نقش الگودهی و محل دادرسی و فصل‌الخطاب مناقشه انفرادی افراد در جامعه محسوب شده و ملجع و پناهگاهی قانونی برای سایر شهروندان به شمار می‌آید، در صورت بروز و ظهور آسیب‌های این‌چنینی، آن اعتبار و ارزش خود را در ذهنیت افراد از دست داده و خود به‌عنوان یک تشکلی که باید آن

را دور زد و از قوانین و دستورات و هنجارهایش تبعیت نمود، در نزد مردم تلقی خواهد شد. گویا به‌همین علت نیز هست که مردم جامعه ما مالیات را (به هر میزان و رقمی) چیزی می‌دانند که نباید پرداخت نمود و به هر لطایف الحیلی و لو با تخلفات اقتصادی از زیر بار آن شانه خالی کرد.

قانون تأمین اجتماعی و مالیات (قوانینی که باید به سمت تشویق کارآفرینان به سمت کارآفرینی مولد تغییر مسیر دهند):

این دو قانون از جمله مهم‌ترین قوانینی بودند که کارآفرینان از آن به‌عنوان اصطکاک‌دهنده فعالیت در امور تولیدی یاد می‌کردند. قوانین که یک بخش مهم نهادها محسوب می‌شوند خود ساختاردهنده ساختارها باند که در اینجا نیز نقش مجلس در نهادسازی فعالیت‌های مولدانه بسیار پر رنگ است.

نتایج بخش کمی نشان داد که تمامی مؤلفه‌های حکمروایی خوب با کارآفرینی مولد رابطه معنی‌دار و معکوسی دارند به‌طوری که در صورت ارزیابی پائین این مؤلفه‌ها از سوی کارآفرینان، آنها ترجیح می‌دهند در حوزه کارآفرینی غیرمولد سرمایه‌گذاری و فعالیت نمایند. مقدار ضریب استاندارد (۰/۳۸-) در این رابطه نیز قابل توجه است.

هم‌چنین خروجی Amos نشان می‌دهد که مدل تدوین یافته مناسب بوده و مقدار کای اسکوئر بهنجار در وضعیت مطلوب و کمتر از پنج (یعنی به مقدار ۳/۵) می‌باشد. سایر آماره‌های این مدل نیز این وضعیت را تأیید می‌کنند. در بخش کیفی (داده‌های حاصل از مصاحبه اپیزودیک که با روش تحلیل مضمون تجزیه و تحلیل گردید) نشان می‌دهد کارآفرینان در صورت احساس ناخوشایند از وضعیت حکمرانی در جامعه، در اموری که ریسک بالایی دارند مانند امور تولیدی، کمتر سرمایه‌گذاری و فعالیت کرده و ترجیح می‌دهند سرمایه‌های خود را در امور غیرتولیدی که کمتر ریسک‌پذیر و به دور از نظارت دولت و دستگاه‌های دولتی است، به گردش در آورند.

همه مؤلفه‌های حکمروایی خوب با کارآفرینی نامولد رابطه معنی‌دار و منفی داشتند: این نتیجه نشان می‌دهد که هر چه قدر کشور مجهز به قوانین رسمی تولید مدار از یکطرف و مجریان و مسئولان تولید مدار از طرف دیگر باشد، کارآفرینان کمتر به سمت

کارآفرینی نامولد سوق پیدا می‌کنند. همان‌گونه که در مدل اول یافته‌های استنباطی تحقیق (فصل چهارم) شاهد بودیم، نتایج بخش کمی نشان داد که تمامی مولفه‌های حکمروایی خوب با کارآفرینی مولد رابطه معنی‌دار و معکوسی دارند به طوری که در صورت ارزیابی پائین این مولفه‌ها از سوی کارآفرینان، آن‌ها ترجیح می‌دهند در حوزه کارآفرینی نامولد سرمایه‌گذاری و فعالیت نمایند. مقدار ضریب استاندارد (۰/۳۸) این رابطه نیز قابل توجه است.

هم‌چنین خروجی Amos نشان داد که مدل تدوین یافته (مدل اول) مناسب بوده و مقدار کای اسکوئر بهنجار شده (CMIN/DF) در وضعیت مطلوب و کمتر از پنج (یعنی به مقدار ۳/۵) می‌باشد. سایر آماره‌های این مدل نیز این وضعیت را تأیید می‌کنند.

از دیگر نتایج مهم این بخش که کارآفرینان در روایت‌های خود مکرراً به آن‌ها پرداختند، می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- از نمایندگان مجلس به‌عنوان قانون‌گذاران یک حکومت مردم‌سالار انتظار نمایندگی مردم را دارند نه اینکه بلافاصله پس از انتخاب شدن، نماینده غیرمردم شوند. نمایندگان وظیفه وضع قوانین به نفع ضعفا و کارآفرینان (هر دو) را به‌طور همزمان بر عهده دارند. بنابراین اگر می‌خواهند بخش خصوصی بار اشتغال و تولید را (در شرایط اقتصاد مقاومتی) به دوش بکشد باید از گردانندگان تولید و اشتغال نیز با وضع قوانین درست، حمایت کنند.

۲- کیفیت قوانین و مقررات به نفع تولید نبوده و قوانین مناسبی برای حمایت از تولیدکننده وجود ندارد. بخصوص از عدم عدالت رویه‌ای در اخذ مالیات از بنگاه‌ها، بسیاری از پاسخگویان قائل به وجود تبعیض و بی‌عدالتی بودند.

۳- ناکارآمدی در عملکرد بانک مرکزی و سایر بانک‌ها در ارائه تسهیلات کم‌بهره به تولید از یک‌سو و سودهای بالا به سپرده‌گذاران از سوی دیگر باعث فلج شدن تولید در کشور شده است.

پیشنهادهای

با نگاهی تحلیلی به نتایج به دست آمده می‌توان اینگونه بیان کرد که به‌طور کلی زمانی کارآفرینی مولد ظهور می‌یابد که فضای نهادی جامعه (به تعبیر نورث) در خدمت تولید باشد و نه رانت و واسطه‌گری و کارآفرینی نامولد، و این فضای مساعد نهادی برای گسترش دامنه کارآفرینی مولد نیازمند مولفه‌هایی است که اغلب غیر اقتصادی هستند ولی در خدمت کنش اقتصادی مولد قرار می‌گیرند.

از جمله فضای مساعد نهادی، این است که روند امور پیش‌بینی‌پذیر و قابل برنامه‌ریزی باشد. قوانین هر روزه تغییر نکنند. هر روزه بخشنامه‌ها و آئین‌نامه‌های جدید برای سازمانها اعم از بان‌کها یا ارگان‌های دولتی سرازیر نشود که در بعضی مواقع نیز ضد نقیض و پارادوکسیکال در اجرا هستند.

مالکیت خصوصی محترم شمرده و تضمین شود. نهادهای تضمین‌کننده حقوق شهروندی بخوبی وظایف خود را ایفا کنند به نحوی که کسی جرات تخطی از قوانین نداشته و در عین حال کسی که در قرار داد یا معاهده‌ای متضرر می‌شود بداند و یقین داشته باشد که به حقوق خود خواهد رسید. در عین حال از سوی سازمان‌های و نهادهای رسمی جامعه این احساس امنیت را بنماید که حقوق مدنی افراد برابر با حقوق سازمان‌هاست و در مقام عدالت هیچ کدام را بر دیگری ترجیحی نیست. زیرا اغلب کارآفرینان از گلاویز شدن با ارگان‌هایی همانند شهرداری یا اداره دارایی یا تامین اجتماعی ابا داشتند و معتقد بودند هر آنچه آنها بخواهند انجام می‌دهند و فقط این کارآفرین است که به‌طرز محتاطانه‌ای باید عمل کند که این سازمان‌ها جریحه دار یا لجبازی نکنند و کارگاه یا فعالیت وی را به تعطیلی نکشانند.

فساد اقتصادی کاهش یابد (یا در حداقل حد ممکن خود باشد=اعتلای مولفه ششم حکمروایی خوب). بخصوص در رده‌های بالای حکومتی که نقش الگو دهی به مردم را دارند و در صورت رخ دادن این امر موجب کاهش سرمایه اجتماعی و در پی آن کاهش انگیزه‌های تولید (از راه سالم) می‌گردند.

آرامش نسبتاً ثابتی بر فضای بازار و اقتصاد حاکم باشد تا افراد و کارآفرینان بتوانند در سایه این ثبات، با آرامش خاطر به پیش‌بینی و ترسیم افق اقتصادی فعالیت خود و سود دهی فکر کنند.

نوک پیکان پاسخگویی مسئولین به مردم (مولفه اول حکمروایی خوب)، متوجه نمایندگان ملت است. آنها نمایندگان مردمانند که اول وظیفه قانونگذاری به نفع مردم و برای مردم را در خانه ملت دارند و دوم با قدرتی که ناشی از مشروعیت مردمی است باید در راستای نظارت و دلیلخواهی نحوه‌ی عملکرد قوه مجریه استفاده کنند و نه خدای ناکرده در سایر امور (نظیر نفع شخصی و حزبی و ...). سوم، حال که سیاست با اقتصاد ما در جامعه در هم فرو رفته و درهم پیچیده شده‌اند این وظیفه نمایندگان ملت است که سیاست‌ها را در راستای اقتصاد مولد هم مسیر و جهت‌دهی کنند. هدف باید اعتلای ملت باشد که اعتلای دولت و نظام هم در آن مکنون است و این امر را از طریق پالایش سیاست و زدودن سیاست‌زدگی اقتصاد جامعه میسر گردانند.

ترسیم نقشه راه کارآفرینی مولد از دیگر اموری است که نه تنها در حد تئوری و ترسیم صرف، بلکه جزئی از برنامه‌های پنج‌ساله دولت گردد.

نحوه بانکداری بان‌کها اصلاح گردد به گونه‌ای که در راستای حمایت از تولید باشد و نه واسطه‌گری یا تجارت یا رانت‌جویی یا راکد نگهداری پول توسط مردم در بانک‌ها. این پیشنهاد از آنروست که کارآفرینان اذعان داشتند از جانب بان‌کها با آنها تماس گرفته شده و آن‌ها را تشویق به فروش املاک و زمین‌ها و سپرده‌گذاری در بانک خود نموده‌اند.

منابع

- اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان همدان (۱۳۹۱)، *آمارنامه اداره کل تعاون کار و رفاه اجتماعی استان همدان و مجموعه دستگاه‌های وابسته*، نشر روزاندیش.
- ایوانز، پیتر و جیمز راج (۱۳۸۵)، بوروکراسی و رشد اثر ساختارهای دولت «وبری» بر رشد اقتصادی، یک تحلیل مقطعی - ملی، ترجمه فریبا مؤمنی، مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد، *فصلنامه اقتصاد سیاسی*، شماره ۳.
- بشیری، عباس و وحید شقاقی (۱۳۹۰)، حکمرانی خوب فساد و رشد اقتصادی رویکردی اقتصادی به مقوله حکمرانی خوب، *بررسی‌های بازرگانی*، شماره ۴۸.
- بلیکی، نورمن (۱۳۸۴)، *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاووشیان، تهران، نشر نی.
- پاداش، حمید و علی نیکونستی (۱۳۸۷)، نقش نهادها در توسعه کارآفرینی، *دو فصلنامه برنامه و بودجه*، دوره ۱۳ شماره ۱، صص ۱۵۴-۱۲۹.
- توحیدلو، سمیه (۱۳۹۱)، *حیات اقتصادی ایرانیان در دوره مشروطه*، پایان‌نامه دکتری به راهنمایی دکتر محمدرضا جوادی یگانه، دانشگاه تهران.
- داوری، علی و آرش رضازاده (۱۳۹۳)، *مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار PLS*، نشر جهاد دانشگاهی، چاپ دوم.
- راغفر حسین (۱۳۸۲)، *دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی*، انتشارات نقش و نگار، چاپ اول.
- عربشاهی، زهرا و فاطمه سرایی (۱۳۹۱)، رشد تولید ناخالص داخلی استان‌های کشور طی برنامه چهارم توسعه، *هفته‌نامه خبری-تحلیلی برنامه*، شماره ۴۵۷، ۱۷ تیرماه ۱۳۹۱.
- عابدی جعفری، حسن و همکاران (۱۳۹۰)، تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، *مجله اندیشه مدیریت راهبردی*، سال پنجم، شماره دوم، شماره پیاپی ۱۰، صص ۱۵۱-۱۹۸.
- عیسی‌زاده، سعید و اکبر احمدزاده (۱۳۸۸)، بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال سیزدهم، شماره ۴۰، پاییز ۱۳۸۸، صفحات ۱-۲۸.
- فلیک، اووه (۱۳۸۷)، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، نشر نی.

- قاسمی، وحید (۱۳۸۸)، *مدل‌سازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics*، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
- قلی‌پور، رحمتا... (۱۳۸۴)، *حکمرانی خوب و امکان‌سنجی اجرای آن در ایران (۲)*، مجموعه سخنرانی‌ها، موسسه عالی آموزش و پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
- کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۶)، درآمدی بر الگوی حکمروایی شهری، *فصلنامه جستارهای شهرسازی*، شماره ۱۹ و ۲۰.
- کمیجانی، اکبر و پروانه سلاطین (۱۳۸۷)، تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD، *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، سال دوم، شماره ۲-پیاپی ۶، صص ۲۴-۱.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹): *فراروش، بنیان‌های فلسفی و عملی روش تحقیق ترکیبی در علوم اجتماعی و رفتاری*، انتشارات جامعه‌شناسان، تهران.
- مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل متحد (هابیتات) (۲۰۰۰)، *شهرها در فرایند جهانی شدن*، گزارش جهانی سکونت‌گاه‌های انسانی، ترجمه رضا پورخردمند و دیگران، مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران، چاپ اول ۱۳۸۸.
- موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی (۱۳۸۵)، *نقش دولت در جهان در حال تحول- گزارش توسعه جهانی بانک جهانی (۱۹۹۷)*، ترجمه گروه مترجمان.
- میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳)، *حکمرانی خوب: بنیان توسعه*، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
- نجارزاده و همکاران (۱۳۹۱)، نقش کارآفرینی مولد و غیرمولد در رشد اقتصادی، *فصلنامه علمی پژوهشی برنامه‌ریزی و بودجه*، سال هفدهم شماره ۳.
- نورث، داگلاس. سی (۱۳۷۷)، *نهادها، تغییرات نهادی و عملکرد اقتصادی*، ترجمه محمدرضا معینی، «سازمان برنامه و بودجه».
- نورث، داگلاس، سی (۱۳۷۹)، *ساختار و دگرگونی در تاریخ اقتصادی*، ترجمه غلامرضا آزاد ارمکی، نشر نی، چاپ اول.
- نورث، داگلاس سی (۱۳۸۵)، *عملکرد اقتصادی در گذر زمان*، ترجمه مهدی بی‌نیاز، *فصلنامه راهبرد یاس*، شماره ۸.

- نی، ویکتور و ریچارد سوندبرگ (۲۰۰۵)، جامعه‌شناسی اقتصادی و اقتصاد نهادگرایی نوین، ترجمه رضا مجیدزاده و آصفه توکلی، *مجله اقتصاد سیاسی تحول همه‌جانبه*، سال سوم، شماره ۷ و ۸، زمستان ۸۶ و بهار ۸۷، صص ۷۵-۱۱۴.
- همتی، رضا (۱۳۹۰)، *بررسی مناسبات علم و جامعه در ایران: بررسی موردی رشته‌های فنی و علوم پایه و فنی دانشگاه اصفهان*، پایان‌نامه دوره دکتری به راهنمایی رسول ربانی و علی ربانی، دانشگاه اصفهان.
- Attride- S.J. (2001) Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research, *Qualitative Research*, Vol. 1, No. 3, Pp. 385-405.
- Baumol, W. (1990) Entrepreneurship: Productive, unproductive and destructive, *Journal of Political Economy*, 98 (5), Pp. 893-921.
- Boettke, P.J. & Coyne, C.J. (2003) Entrepreneurship and development: Cause or consequence? *Advances in Austrian Economics*, 6, Pp: 67-87.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006) Using thematic analysis in psychology, *Qualitative Research in Psychology*, Vol. 3, No. 2, Pp. 77-101.
- Brinkerhoff, Derick W. & Arthur A. Goldsmith (2005) Institutional Dualism and International Development: A Revisionist Interpretation of Good Governance, *Administration & Society*, Vol. 37 No. 2, May 2005 199-224.
- Kaufmann, D & Aart K and Massimo M (2010) The Worldwide Governance Indicators: Methodology and Analytical Issues, Global Economy and Development at Brooking, Access at: http://www.brookings.edu/~media/research/files/reports/2010/9/wgi%20kaufmann/09_wgi_kaufmann.pdf.
- Ngobo, P.V. and Maurice, F. (2011) Is 'Good' governance good for business? A cross-national analysis of firms in African countries, *Journal of World Business*,
- North, Douglass C. (1992) *The New Institutional Economics and Development*, Washington University.
- North, D.C. (1994) Economic performance through time, *The American Economic Review*, 84 (3), Pp. 359-368.
- North, D.C. (2000) The new institutional economics and third world development, *In J. Harriss & J. Hunter* (Eds), Pp. 17-23.
- North, D.C. (2000) The new institutional economics and third world development, *In J. Harriss & J. Hunter* (Eds). Pp. 17-23.

-
- Patton M.Q. (2002) *Qualitative Research and Evaluation Methods*, Sage Publications, Inc. 3Th Edition.
- Patton, M.Q. (1990) *Qualitative evaluation and research methods*, Thousand Oaks, CA: Sage.
- Sobel, R.S. (2008) Testing Baumol: Institutional Quality and the Productivity of Entrepreneurship, *Journal of Business Venturing*, Vol. 23.